

پژواکِ دلِ خنیاگر

پروین کریمی جعفری



ISBN 978-964-224-160-0

۳۰۰۳۰۶۵

۲. یادداشت‌ها

کریمی جعفری، پروین، ۱۳۶۹ -
پژواک دل خنیاگر / پروین کریمی جعفری: آسمان خیال، ۱۳۹۷.
۱۵۲ ص: ۲۰ × ۲۰ س.م.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فنی

۱. قطعه‌های ادبی فارسی
۳. کریمی جعفری، پروین، نویسنده
۴ ۱۳۹۴ پ ۹۸۲ / PIR۸۳۵۸
رده‌بندی دیویی ۸۱۵/۸۶۲
کتابخانه ملی ایران



پژواکِ دلِ خنیاگر

پروین کریمی جعفری

امور هنری غلامرضا کریمی جعفری

ناظر فنی چاپ سامان نصیری جوزانی

چاپ طرح و نقش

چاپ برن ۹۷

۱۶۷۰-۲۲۹-۹۷-۹۷۸

۱۰۰۰ نسخه

هر گونه چاپ و نشر این اثر به طور کلی یا جزئی، به صورت مکتوب یا الکترونیکی، بدون مجوز مجازی،

منوط به اجازه کتبی از ناشر است.

حق چاپ برای صاحب اثر محفوظ است.

بلوار تندگویان، خیابان شهید لطیفی، خیابان میثاق، شماره ۲۱۶ تلفن: ۰۹۱۳۴۹۵۵۸۱۷

مناجات

۱۱	مقدمه
۱۵	شرح این دل نوشته به طریق دیگر
۱۶	ختم کلام

باب اول

۱۹	پژواک مناجات
۲۵	صحبت جانان
۳۱	معبود دل
۳۳	صراط دل

باب دوم

۳۷	سوی چکاوک
۴۷	حسرت گمگشته

۵۹	کوی یار
۶۳	اختر پریش
۶۹	خاتون اخگر
۷۳	چوپان عاشق

باب سوم

۸۳	شما یل عشق
۸۷	عشق سرخ
۹۱	شعله‌ی عشق
۹۵	سیاه عشق

باب چهارم

۱۰۳	ماندگاری دل
۱۰۷	آرام جانان
۱۱۱	مرکب معشوق
۱۱۷	خنیای پژمان

واژه‌ها

مقدمه



به نام او که ازلی است؛

خداوندِ مَنان را سپاس که چه نوشین توان نوشتن را در سر نهاد؛

پروین طرار نبود، که معبود در مکتبِ سترِ جان به الهام بر می نشست، تا تواند ز صدر

تن، مُشکِ خُتنِ سخنان را بر شنوای دگران رساند؛

با عرض ادب خدمت خوانندگان گرامی!

که بر من مَنّت نهادند و این کتاب را برای اوقات خاصِ روز و شب منتخب گشتند؛

عرض کردم خاص چرا که خود معتمد، گفته‌هایم، با به کارگیری کلماتی از فرهنگ

فارسی عمید، خاص شده است، فردی خاص با افکاری نو و خاص نیز می‌طلبید؛

پس در ابتدای کلام به دوستان توصیه می‌کنم، هنگام مطالعه، خود را جای شخصیت

داستان یا نویسنده و یا در آن حال قرار دهند تا مطلوب، فهم گردد و حظ برند؛
این جانب در روز چهاردهم ماه هشتم از سال هزار و سیصد و شصت و نه، در تهران
چشم به هستی گشودم و نوجوانی به خاطر علاقه‌ی وافر به ادبیات فارسی چندین
سال هم‌فای را در سر پروراندم، که با حول و قوه‌ی الهی خواهم بدان رسم، بهر آن
نوشتم؛

ابتدا از قلم و رسدستم که مبادا از عهده‌ی عهدم با جوهرش برنیایم، عهدی که هر
صاحب سبب و رسمش با انتشار کلامش می‌آویزد؛

این بدین معناست که رسم است ما ز خود می‌نگاریم لیک بهر انسان‌هایی که در
انتظار سفر به رویای نویسنده‌ای هستند که حقیقت‌گوست، کتب را پیش چشمان و رأی
دلشان می‌گشایند تا آن را پسندند. سفرش گردند، به نگارش می‌پردازیم.

جمعاً برای شما عزیزان صبوری کردم، تا به فهمی رسم که اگر کلماتم منتشر گشت،
بر دل‌های مهربان‌تان نشیند، بنده سالی می‌ستد به دنبال حقیقت در هر وادی اعم از:
(خالق، عشق، اخلاق، دل، ...) سیر می‌کردم و از نظر خود، واژگان کهن را برایشان منقش
کردم، تا صحیفه‌ای به یادگار گذارم در سرای سپنجی، تا این گان، پارسی اصیل را زیاده
میرند، که خود بسی به این سبک علاقه ورزم و این برای گستره‌ی لغوی یک انسان
بهر ذهنیت داشتن وی مفید است، به سبب آن معنی، واژگان را در پایان کتاب آورده‌ام؛
نورهان پروین، برای جوانان که هر یک هدفی را پی گیرند، این است که دانند من

جز خانواده حامی دیگری نیز داشته‌ام، تکیه بر پشتکار خود را گویم، چراکه معتمد، هر که آن چه خواهد گر ساعی باشد بدان به حتم خواهد رسید؛

ذاکِردل و روح خویش، پروین، تک فرزند است و پیوسته آرزو پرورنده روزی حس کند، تنها نیست و بسیار هم دم داراست، این بود که با شما به صحبت پرداخت، دلش مدعی گشت که با دگران ته‌فر داشته باش، وی بیان کرد، گر به آرزویم رسم، زین پس حس خواهم کرد سرگشای دنیا نفسی آید و رود، در گوشه‌ای بنشسته، دور از ایشان (مردم)، اما هر بار هر یک کتاب را خوانند، گویی بر من الهام گردد و بنده با زبان خویش گویایم که وی پس از آن حزی از خانواده‌ام محسوب گردد، که کثیر این نوشته‌ها در زندگانیم رخ دادند؛ درین برهه بار خاندانه‌هایش، نشان و شعاری اختیار کرد برای خود و ایشان که درک سخنانش گویند، این است:

۱۳

«صریح‌ترین اعتراض به نگرش بیگانگان هوشیار به جای عشاق»

و آن را در کتاب خویش به وضوح با ادای کلماتی دگر به عرصه‌ی آملی کشاند؛ این جمله از ماورائی گرفته شود تا به عوامل دنیایی رسد؛

مثلاً: مبنی بر گناه‌های بشر نیز گردد، هم‌چون این گفت: هر درون معصیت‌بار خود که در سحر راوی گشته:

«یارا! می‌دانستی هم اکنون در آسمان سنگ‌دل من، ابرهای تکه‌تکه و

خشمگین شبانه به هم صحبتی با ستاره‌ی درخشان وجود عرشیم که همیشه
رو به پنجره‌ی فولادی و سرد تنهایی‌هایم او را می‌نگرم، رفتند؟ تا درین
هنگام که ندای مؤذن آفاقِ فلک از گلدسته‌ی مسجد سینه‌ام می‌آید از آن
خدا: ند جان و خرد، طلب مغفرت کنند؟»

بهار ۸۷

